

بررسی عوامل مؤثر بر رغبت‌های شغلی در دانش‌آموزان دوره متوسطه شاخه نظری شهر تهران

عباس معدن‌دارآرانی^۱

تاریخ دریافت ۱۳۹۴/۰۸/۲۹

تاریخ پذیرش ۱۳۹۵/۱۱/۱۵

چکیده

از آنجایی که در نظام آموزش عالی رشته‌های تحصیلی متنوعی وجود دارد و در جامعه امروز، مشاغل دامنه‌ای وسیع دارند، لازم است برای آینده تحصیلی و شغلی نسل جوان برنامه‌ریزی دقیقی انجام شود. بی‌شک این برنامه‌ریزی مستلزم داشتن اطلاعاتی دقیق از رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان از یک سو و آگاهی درباره مشاغل مورد نیاز جامعه از سوی دیگر است. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر بررسی عوامل مؤثر بر رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان دبیرستان‌های متوسطه شاخه نظری شهر تهران است. روش این پژوهش از نوع همبستگی و جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان رشته‌های مختلف متوسطه نظری شهر تهران است که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای در دو منطقه آموزشی ۶ و ۱۴، ۴۲۰ نفر انتخاب شده‌اند. داده‌ها از طریق پرسشنامه محقق‌ساخته رغبت‌سنج شغلی گردآوری شدند و از طریق آزمون ناپارامتریک مجذور خی تجزیه و تحلیل شدند. نخستین یافته پژوهش مؤید آن است که عامل جنسیت هنوز بر رغبت شغلی اثرگذار است، به نحوی که گرایش اصلی دختران معطوف به مشاغل اجتماعی و تمایل اصلی پسران به سمت مشاغل جستجوگرانه است. همچنین یافته دیگر پژوهش مبین تفاوت معنی‌دار بین گروه‌های مختلف دانش‌آموزی در رغبت‌های شغلی بر حسب عملکرد تحصیلی است. دو یافته پایانی تحقیق نشان می‌دهند که نخست، در جامعه مورد تحقیق رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان لزوماً از مشاغل فعلی پدران پیروی نمی‌کند و دوم، هرچه سطح سواد پدران افزایش می‌یابد، رغبت شغلی دانش‌آموزان به مشاغل جستجوگرانه و اجتماعی نیز بیشتر می‌شود.

کلیدواژه‌ها: رغبت‌های شغلی، عملکرد تحصیلی، آموزش متوسطه، تهران.

مقدمه

هدایت صحیح دانش‌آموزان به شاخه‌ها و رشته‌های تحصیلی و آماده‌ساختن آن‌ها برای ورود به تحصیلات عالی یا بازار کار با توجه به استعداد و رغبتشان یکی از اهداف مهم نظام آموزشی در دوره متوسطه است. از این نظر، براساس ماده ۱۹ قانون برنامه پنجم توسعه، وزارت آموزش و پرورش مکلف شده است ضمن هدایت تحصیلی فراگیران براساس علائق و ویژگی‌های آن‌ها، برنامه‌ریزی لازم را برای برقراری توازن بین تعداد دانش‌آموزان و رشته‌های تحصیلی با نیازهای جامعه برقرار کند. همچنین در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) به صراحت بر استقرار نظام جامع هدایت تحصیلی و استعدادیابی دانش‌آموزان تأکید شده است. در راستای تحقق این اهداف، آیین‌نامه آموزشی دوره متوسطه مصوب شورای عالی آموزش و پرورش دو ملاک عمده برای هدایت تحصیلی دانش‌آموزان را نمرات درسی و بررسی‌های مشاوره‌ای تعیین کرده است. از طریق بررسی‌های مشاوره‌ای و انجام پژوهش‌های علمی، ارزیابی‌های اولیه از رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان صورت می‌پذیرد تا بنیان استواری برای برنامه‌ریزی آموزشی در سطح کلان و تمهید عملی در سطح خرد برای نیازهای شغلی تدارک دیده شود. بررسی‌های مشاوره‌ای می‌تواند شامل نظرخواهی از دانش‌آموزان، والدین و معلمان باشد یا مبتنی بر نتایج حاصله از آزمون‌های استعداد و رغبت باشد. به هر حال، از آنجاکه در انتخاب شغل عوامل متعددی نقش دارند، بررسی تأثیر این عوامل می‌تواند به انتخاب صحیح و معقولانه شغل و تسهیل فرایند «گذار نسل جوان از مدرسه به جامعه» یاری رساند.

مسئله انتخاب شغل یکی از مهم‌ترین مسائل کشور، نسل جوان و خانواده‌ها است. ایران جامعه جوانی دارد، یعنی طبق سرشماری سال ۱۳۹۰، حدود ۷۰ درصد جمعیت کشور در گروه سنی ۱۵-۶۴ سال و بیشترین تعداد جمعیت در گروه سنی ۱۵ تا ۱۹ سال قرار داشته‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). وجود جمعیت بسیار جوان مبین رویارویی عظیم جامعه در آینده نزدیک با موج عظیمی از جویندگان کار است. گزارش مرکز آمار ایران حاکی از آن است که در سال ۱۳۸۹ میانگین نرخ بیکاری در بین جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال ۲۵/۵ درصد بوده است (ایلنا، ۱۳۹۱). این روند در طی سال‌های اخیر شتاب بیشتری گرفته است، به نحوی که در حال حاضر سالانه به یک میلیون شغل جدید نیاز است؛ از سوی دیگر به علت گسترش نظام آموزش عالی در طی دو دهه اخیر و در راستای برقراری ارتباط مؤثر این نظام با بازار کار، توجه به تحلیل ابعاد و زوایای انتخاب شغل از دوره

متوسطه باید مدنظر برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران نظام آموزشی قرار گیرد. علاوه بر توجه به وضعیت کلان کشور، در سطح خرد و فردی نیز باید به نقش عوامل اثرگذار در روند نظام شغلی توجه ویژه داشت. در سطح فردی فراگرد پذیرش شغل، معمولاً بررسی رابطه سه عامل متوالی انتظارات، ترجیحات و انتخاب اهمیت فراوان دارد. شغل هر می است که انتظارات قاعده آن را تشکیل می‌دهد و سپس ترجیح‌ها در میانه و انتخاب در رأس آن قرار می‌گیرد. هرچه سن افزایش یابد، معمولاً از سطح انتظارات کاسته می‌شود و امکان ترجیح و سپس انتخاب بیشتر می‌گردد (شفیع‌آبادی، ۱۳۸۴: ۲۳). در این میان، و در هر سه مرحله، رغبت‌های شغلی حضوری مؤثر دارند. به‌خاطر این نقش کلیدی، شناخت عوامل مؤثر بر رغبت‌ها می‌تواند از یک سو در جهت بخشی شغلی دانش‌آموزان و از سوی دیگر در رفع نیازهای بازار کار مفید واقع شود. پیامد عدم توجه به رغبت‌ها را می‌توان در عرضه و تقاضای نامتعادل مشاغل مشاهده کرد (حق‌شناس و همکاران، ۱۳۸۹: ۷). البته رغبت شرط کافی نیست، زیرا بعضی از جوانان دچار بلندپروازی واهی می‌شوند و بدون توجه به لیاقت و استعداد، مسیر تحصیلی و شغلی خویش را انتخاب می‌کنند که این نیز جز از دست‌دادن اعتماد به نفس و اتلاف سرمایه برای خود و جامعه حاصلی نخواهد داشت. برای اینکه تناسبی منطقی بین استعدادها و رغبت‌ها به وجود بیاید، نیاز است که بررسی‌های علمی برای هر دو مرحله به تفکیک انجام شود و با نگرشی ترکیبی، تصمیم لازم اتخاذ شود (Antony, 1998). از مجموع عوامل متعدد اثرگذار بر رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان می‌توان به عوامل دموگرافیک همچون سن، جنس، سطح سواد والدین، و وضعیت تحصیلی دانش‌آموز اشاره کرد که در واقع، دارای «اثر نخستین» بر تعیین رغبت‌های شغلی اند. با افزایش سن دانش‌آموز و خروج وی از نظام آموزش متوسطه، نقش عوامل دیگری که دارای «اثر ثانویه» اند، بیشتر می‌شود. از بین این عوامل می‌توان به درآمد آتی شغل، تعداد خواهران و برادران، محل سکونت و جز این‌ها اشاره کرد.

پیشینه پژوهش

در پژوهش حاضر، توجه ما معطوف به بررسی عوامل دارای «اثر نخستین» است که در اینجا به نتایج و یافته‌های بعضی از پژوهش‌های مرتبط اشاره می‌شود. نخستین عاملی که معمولاً مورد توجه مشاوران شغلی قرار می‌گیرد، نقش جنسیت

در رغبت شغلی است. البته فراگرد انتخاب شغل بسیار پیچیده و پویا است و یکی از پیچیدگی‌هایی که معمولاً در بدو امر مطرح می‌شود، تناسب ذهنی بین شغل و فرد است. تصویری که فرد از رابطه خود با شغل می‌سازد، برای هردو گروه زنان و مردان مهم است. یکی از مهم‌ترین عوامل در این تصویرسازی، این است که به‌طور مرسوم از شغل موردنظر چه برداشت اجتماعی وجود دارد و آیا عموم مردم آن را بیشتر شغلی مردانه می‌پندارند یا حرفه‌ای زنانه (Burack et al., 1997; Myers, 2005). براین اساس، پژوهش‌های بسیاری مبین گرایش متفاوت دختران و پسران به مشاغل گوناگون است (Basavage, 1996; Borchert, 2009; Greenberger, 2002). برای مثال، گرین برگر (2012) در پژوهش خود دریافت که در امریکا هنوز گرایش هردو جنس به سمت مشاغلی است که به‌طور سنتی برچسب «زنانه و مردانه» دارند. این تحقیقات نشان می‌دهد که آرزوهای شغلی دختران بیشتر حول محور کارهای اجتماعی و خانوادگی دور می‌زند، حال آنکه در پسران بیشتر به سمت مواردی همچون ثروت، مالکیت، مسائل زندگی، و ورزش معطوف است (Chusmir, 1990; Arrents & O'Brien, 1996; Rojewski & Yang, 1997; Baker & Otoman, 2009; Hall, 2010). البته نباید از تأثیر متفاوت ویژگی‌های هر شغل بر هردو جنس غافل بود. برای مثال، تحقیقات نشان می‌دهد که دانش‌آموزان به امکانات محیطی و استعدادهای خود کمتر توجه می‌کنند و رغبت‌های شغلی آنان بیشتر معطوف به مشاغل پر زرق و برق با وجهه اجتماعی خوب است، بدین نحو که تمایل پسران به مشاغل مهندسی، پزشکی و خلبانی بیشتر است، درحالی که دختران بیشتر به پزشکی، منشی‌گری، مهمانداری و بهیاری تمایل دارند (Strange & Rea, 1983; O'Brien, 1996; O'Brien et al., 2002). همچنین، باید توجه داشت با افزایش تنوع مشاغل، روندهای سنتی تقسیم مشاغل بین زنان و مردان در بسیاری از کشورهای درحال توسعه و توسعه‌یافته جهان به شدت دگرگون شده است، بنابراین، به‌ویژه دختران و پسران تحصیل کرده دیگر خود را چندان ملزم به پیروی از نگرش‌های سنتی مردم درمورد انتخاب شغل نمی‌دانند (Wulff & Steitz, 1997; Behrend et al., 2007; Helwig, 2008; Tang et al., 2008; Hensley, 2010).

عامل مؤثر دیگری که می‌توان از آن یاد کرد وضعیت و عملکرد تحصیلی دانش‌آموز درحال حاضر است. پژوهش‌های بسیار نشان داده‌اند که عملکرد تحصیلی دانش‌آموز

می‌تواند در پیش‌بینی رغبت‌های شغلی وی مؤثر باشد، چرا که معمولاً دانش‌آموزان با عملکرد ضعیف در جستجوی مشاغلی در آینده‌اند که نیاز چندانی به مدارک تحصیلی بالا نداشته باشد. برعکس، دانش‌آموزان قوی خواهان مشاغلی‌اند که داشتن نمرات خوب تحصیلی در همه دوره‌های آموزشی لازمه کسب آن است (McNair & Brown, 1983; Huffman et al., 1986; West, 1986; Idem, 1988). البته پژوهش‌های وود و مایر^۱ (1999)، اپلتون^۲ (2001)، ال-سامری و بنل^۳ (2003) و در ایران پژوهش محمدزاده (۱۳۸۹) نشان می‌دهد که مهارت‌های کسب‌شده در دوره آموزش متوسطه و به‌ویژه نشانگر «معدل تحصیلی» رابطه مثبت معنی‌داری با مهارت‌های شغلی آتی کارگران دارد. به‌رحال، برای تعیین اثرگذاری این عامل می‌توان به دو موضوع توجه داشت. نخست، وضعیت آموزشی فرد در طول سال‌های تحصیل که به مواردی همچون دفعات مردودی توجه می‌کند و دوم، نمرات دانش‌آموز در سال تحصیلی جاری که می‌توان از معدل دانش‌آموز یا نمرات وی در بعضی دروس اصلی وی استفاده کرد. در پژوهش حاضر، معدل فعلی دانش‌آموزان مدنظر قرار گرفته است.

دو عامل مؤثر دیگر در شکل‌دهی رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان سطح سواد و شغل والدین است. در واقع، یافته‌های پژوهشی گوناگون در مورد رابطه خانواده، تعلیم و تربیت و شغل ثابت کرده‌اند که عواملی همچون میزان تحصیلات پدر و مادر، شغل والدین، شمار خانوار (تعداد فرزندان) و نگرش والدین به یک شغل، در جهت‌دهی رغبت‌های شغلی به‌نحو چشم‌گیر اثرگذارند (Ologun, 2002; Taylor et al., 2004; Myburgh, 2005; Hewitt, 2010). برای مثال، کاکیا (۱۳۷۹) و معدن‌دارآرانی و سرکارآرانی (۱۳۸۸)، در تبیین نقش سطح سواد والدین بر فرزندان، به‌خوبی تأثیر این عامل را در رابطه با تشکیل سه شکل سرمایه انسانی، فرهنگی و اجتماعی در خانواده‌ها نشان داده‌اند. رغبت‌های شغلی تاحدزیادی متأثر از حجم هریک از اشکال سه‌گانه سرمایه در بین اعضای یک خانواده و به‌ویژه پدر و مادر است. مثال بارز دیگر پژوهش‌های بالی‌تیرکده (۱۳۷۴)، محمودی (۱۳۷۴)، ثابت (۱۳۸۰)، و حسینی بیرجندی (۱۳۸۰) است که همگی نشان می‌دهند والدین در اموری همچون پیشرفت تحصیلی، انتخاب هدف و رشته تحصیلی فرزندان خود به‌شدت دخالت می‌کنند؛ البته این‌گونه به نظر می‌رسد نقش شغل فعلی والدین

در شکل دهی رغبت‌های شغلی فرزندان لزوماً در همه کشورهای از روند یکسانی پیروی نمی‌کند. برای نمونه، در کشورهایی با اقتصادِ درحال‌گذار و جامعه‌ای از نظر فرهنگی درحال تحول همچون ایران، هرروز کمتر از پیش، فرزندان از الگوهای شغلی والدین خود پیروی می‌کنند.

هدف پژوهش

در یک جمع‌بندی کلی باید گفت که با عنایت به گذر زمان و تغییرات اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی که به صورت مداوم در جامعه و نهادهای اجتماعی آن همچون خانواده رخ می‌دهد، لازم است هر از گاهی تغییرات مرتبط با تأثیر عوامل «اثرگذار نخستین» دوباره بررسی شود. براین اساس، هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر چهار عامل مؤثر بر رغبت‌های شغلی در دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران است. از مجموع این عوامل که در فرضیات پژوهش به آن توجه می‌شود، دو عامل به دانش‌آموز و دو عامل به والدین مربوط است:

– آیا بین رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان با جنسیت آنان رابطه‌ی معنی‌داری مشاهده می‌شود؟

– آیا بین رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان با وضعیت تحصیلی آنان رابطه‌ی معنی‌داری مشاهده می‌شود؟

– آیا بین رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان با سطح سواد پدر رابطه‌ی معنی‌داری مشاهده می‌شود؟

– آیا بین رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان با شغل پدر رابطه‌ی معنی‌داری مشاهده می‌شود؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر ماهیت از نوع پژوهش‌های کمی، از نظر میزان کنترل متغیرها از نوع غیرآزمایشی، از نظر هدف در زمره پژوهش‌های کاربردی و از نظر روش، همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان رشته‌های مختلف متوسطه شاخه نظری شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۴ بود. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد و حداقل حجم نمونه ۴۱۲ نفر به دست آمد. باتوجه به توزیع دانش‌آموزان در دبیرستان‌های مختلف و برای تعمیم بهتر نتایج، حجم نمونه به ۴۵۰ نفر افزایش یافت. همچنین باتوجه به امکانات تحقیق و گستره وسیع جامعه آماری، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد، بدین‌نحو که در مرحله نخست،

شهر تهران به چهار خوشه‌ی کلی جغرافیایی شمال، جنوب، شرق و غرب تقسیم شد و محدوده‌ی جغرافیایی مناطق نوزده‌گانه‌ی آموزشی مشخص گردید. در مرحله‌ی دوم، از بین مناطق نوزده‌گانه‌ی شهر تهران، دو منطقه‌ی ۶ و ۱۴ به صورت تصادفی انتخاب شدند. در مرحله سوم، از بین دبیرستان‌های دو منطقه، ۸ دبیرستان (۴ دبیرستان دخترانه و ۴ دبیرستان پسرانه) دوباره به صورت تصادفی تعیین شدند. در آخرین مرحله، در هر دبیرستان، دو کلاس پایه‌ی سوم نظری به شیوه‌ی تصادفی ساده انتخاب شد و ابزار تحقیق در اختیار دانش‌آموزان قرار گرفت. ابزار اصلی تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه‌ی محقق‌ساخته‌ی «رغبت‌سنج شغلی» بود. پرسشنامه دو بخش اطلاعات شخصی (۸ سؤال) و اطلاعات مربوط به شناسایی مشاغل (۶ گروه شغلی با ۴۹۰ شغل) داشت که از فهرست مشاغل تدوین‌یافته‌ی توکلی و همکارانش (۱۳۸۶) استفاده شد. ۶ گروه شغلی شامل مشاغل واقع‌گرایانه (مشاغل مهارتی و فنی)، جستجوگرایانه (مشاغل علمی همچون شیمی، مردم‌شناسی)، هنری (موسیقی و ادبیات، کارگردانی)، اجتماعی (تعلیم و تربیت و رفاه اجتماعی، همچون هتل‌داری)، متهورانه (فروشنده‌ی بورس، رانندگی) و قراردادی (اداری و منشی‌گری) بود. برای تعیین روایی صوری و محتوایی، پرسشنامه‌ی اولیه به چند تن از استادان رشته‌ی علوم تربیتی داده شد. پس از مطالعه، جمع‌بندی و اعمال نظرها و نهایتاً با تأیید روایی، از پرسشنامه‌ی پایانی برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. همچنین با توجه به ماهیت پرسشنامه، تعیین سنجش پایایی آن موضوعیت معنایی نداشته و لازم نبوده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های آماری و بررسی سؤالات پژوهش با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS از آمارهای توصیفی و آزمون استنباطی (آزمون مجذور خی) متناسب با نوع داده‌ها استفاده شد.

یافته‌ها

از مجموع ۴۵۰ پرسشنامه‌ی توزیعی، تعداد ۴۳۷ پرسشنامه جمع‌آوری و پس از بررسی و حذف پرسشنامه‌های تکمیل‌نشده، تعداد ۴۲۰ پرسشنامه نهایی تعیین شدند (۹۳/۳). توزیع فراوانی دانش‌آموزان مورد مطالعه برحسب جنسیت و رشته‌ی تحصیلی در جدول شماره ۱ ارائه شده است و نشان می‌دهد که از لحاظ جنسیت، تعادل نسبی بین تعداد پاسخ‌گویان وجود دارد (۵۳/۸ درصد دختر و ۴۶/۲ درصد پسر). از نظر رشته‌ی تحصیلی، بیشترین تعداد پاسخ‌گویان را دانش‌آموزان رشته‌ی علوم انسانی تشکیل می‌دهند (۴۶/۷ درصد).

جدول ۱. توزیع فراوانی و درصد پاسخ‌گویان برحسب جنسیت و رشته تحصیلی

جنسیت	فراوانی	درصد	رشته تحصیلی	فراوانی	درصد
دختر	۲۲۶	۵۳/۸	ریاضی	۱۰۰	۲۳/۸
پسر	۱۹۴	۴۶/۲	تجربی	۸۹	۲۱/۲
-	-	-	-	۱۹۶	۴۶/۷
-	-	-	-	۳۵	۸/۳
کل	۴۲۰	۱۰۰/۰	-	۴۲۰	۱۰۰/۰

فرضیه اول پژوهش این بود که آیا بین رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان با جنسیت آنان رابطه معنی‌داری وجود دارد. در جدول ۲ نتایج این بررسی نشان داده شده است.

جدول ۲. مقایسه رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان به تفکیک جنسیت

نوع مشاغل	دختران		پسران	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
واقع‌گرایانه	۳۰	۱۳/۳	۳۵	۱۸/۰
جستجوگرایانه	۵۱	۲۲/۶	۶۰	۳۰/۹
هنری	۳۸	۱۶/۸	۱۶	۸/۲
اجتماعی	۷۰	۳۱/۰	۵۱	۲۶/۳
متهورانه	۱۰	۴/۴	۲۴	۱۲/۴
قراردادی	۲۷	۱۱/۹	۸	۴/۲
کل	۲۲۶	۱۰۰/۰	۱۹۴	۱۰۰/۰

$$X^2/0/01=21/09$$

$$df=5$$

$$P \leq 0/01$$

$$X^2 = 215/09$$

بررسی نتایج جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که از بین ۶ گروه مشاغل، هردو گروه دختران و پسران بیشترین حد رغبت را به دو گروه شغلی جستجوگرایانه و اجتماعی دارند (در مجموع ۵۳/۶ در دختران و ۵۷/۲ در پسران). با وجود این، گرایش اصلی دختران معطوف به مشاغل اجتماعی و تمایل اصلی پسران به سوی مشاغل جستجوگرایانه است. از سوی دیگر، اگرچه فاصله رغبت‌های شغلی بین دو گروه جنسی روندی نزولی در ایران دارد، از آنجایی که X^2 محاسبه شده نشان‌دهنده تفاوت کاملاً معنی‌دار بین فراوانی‌های

مشاهده‌شده و فراوانی‌های موردانتظار است، نمی‌توان شکاف مذکور را نادیده گرفت. فرضیه دوم پژوهش این بود که آیا بین رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان با وضعیت تحصیلی رابطه معنی‌داری وجود دارد. در جدول ۳ نتایج بررسی نشان داده شده است.

جدول ۳. مقایسه رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان به تفکیک معدل

معدل / مشاغل	واقع‌گرایانه	جستجوگرایانه	هنری	اجتماعی	متهورانه	قراردادی	کل
۱۰ تا ۱۲	۲۳	۶	۹	۱۹	۵	۹	۷۱
۱۲/۱ تا ۱۴	۱۹	۱۰	۱۴	۱۳	۶	۱۱	۷۳
۱۴/۱ تا ۱۶	۱۱	۱۷	۱۱	۳۶	۱۱	۶	۹۲
۱۶/۱ تا ۱۸	۹	۳۷	۱۷	۲۹	۱۰	۳	۱۰۵
۱۸/۱ تا ۲۰	۳	۴۱	۷	۲۰	۶	۲	۷۹
$X^2=34/78$ $P \leq 0/05$ $df=(r-1)(c-1)=20$ $X^2/01=28/86$							

برای بررسی رابطه وضعیت تحصیلی دانش‌آموز با رغبت‌های شغلی می‌توان از دو نشانگر عملکرد سال‌های قبل (دفعات مردودی) یا عملکرد فعلی دانش‌آموز (معدل فعلی) استفاده کرد که باتوجه به اینکه به نظر می‌رسد معیار معدل با واقعیات تحصیلی دانش‌آموز بیشتر هم‌خوانی داشته باشد، از این نشانگر استفاده شد. با مشاهده جدول شماره ۳ درمی‌یابیم که بیشترین تعداد دانش‌آموزان با معدل بین ۱۰ تا ۱۲ گرایش به انتخاب مشاغل واقع‌گرایانه همچون مکانیک اتومبیل، تعمیرکار وسایل برقی، بافنده لباس و مشاغل مشابه دارند. به نظر می‌رسد در بین دانش‌آموزانی که معدل بین ۱۲/۱ تا ۱۴ دارند رغبت‌های شغلی به صورت نسبتاً متعادل بین همه گروه‌های شغلی پراکنده شده است. برعکس، در دو گروه دانش‌آموزی با معدل ۱۴/۱ تا ۱۸، عمدتاً گرایش به مشاغل جستجوگرانه و اجتماعی همچون معلمی، مدیر خدمات عمومی، مشاور تحصیلی، کارشناس آمار، داروسازی، برنامه‌ریز شهری و خلبانی وجود دارد. علاوه بر این، اکثر دانش‌آموزان با عملکرد خوب تحصیلی (معدل بین ۱۸ تا ۲۰) علاقه‌مند به انتخاب مشاغل جستجوگرایانه همچون مهندسی، دامپزشکی، و برنامه‌نویسی کامپیوترند. داده‌های استنباطی نیز نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌دار بین گروه‌های مختلف دانش‌آموزی برحسب فراوانی‌های مشاهده‌شده و فراوانی‌های موردانتظار وجود دارد.

فرضیه سوم پژوهش این بود که آیا بین رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان با شغل پدر آنان رابطه معنی‌داری وجود دارد. در جدول ۴ نتایج این بررسی نشان داده شده است.

جدول ۴. مقایسه رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان به تفکیک مشاغل فعلی پدران

نوع شغل	شغل پدران		شغل انتخابی دانش‌آموزان	
	فرآوانی	درصد	فرآوانی	درصد
واقع‌گرایانه	۱۰۸	۲۵/۷	۶۵	۱۵/۵
جستجوگرگرایانه	۷۵	۱۷/۹	۱۱۱	۲۶/۴
هنری	۲۱	۵/۰	۵۸	۱۳/۸
اجتماعی	۶۱	۱۴/۵	۱۱۷	۲۷/۹
متهورانه	۸۶	۲۰/۵	۳۸	۹
قراردادی	۶۹	۱۶/۴	۳۱	۷/۴
کل	۴۲۰	۱۰۰/۰	۴۲۰	۱۰۰/۰
	$P \leq 0/01$	$df=5$	$X^2/01=20/09$	$X^2=305/33$

برای بررسی اثر سطح سواد و شغل والدین می‌توان به تفکیک این دو عامل را در هر دو پدر و مادر بررسی کرد، ولی با توجه به ساختار فعلی خانواده‌های ایرانی هنوز به نظر می‌رسد نقش پدر در جهت‌دهی رغبت‌های شغلی فرزندان پرنگ‌تر از نقش مادر است. به همین علت، در پژوهش حاضر فقط به بررسی نقش سواد و شغل پدر در رغبت‌های شغلی توجه شد. بر اساس نتایج جدول ۴ می‌توان گفت که در جامعه مورد تحقیق رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان لزوماً از مشاغل فعلی پدران پیروی نمی‌کند. برای مثال، گرایش به مشاغل واقع‌گرایانه (که عموماً در بردارنده مشاغل فنی و حرفه‌ای است) بین دو گروه پدران و فرزندان تفاوت ۱۰ درصدی دارد. برعکس، رغبت شغلی دانش‌آموزان به مشاغل هنری بیشتر از پدرانشان است. این وضعیت باعث شده است که X^2 محاسبه شده نشان دهد بین فراوانی‌های مشاهده شده و فراوانی‌های مورد انتظار تفاوت کاملاً معنی‌داری وجود دارد. از نتایج جالب دیگر کاهش علاقه فرزندان به مشاغل قراردادی (عمدتاً اداری) است.

فرضیه چهارم پژوهش این بود که آیا بین رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان با سطح سواد پدر رابطه معنی‌داری وجود دارد. در جدول ۵ نتایج بررسی نشان داده شده است.

جدول ۵. مقایسه رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان برحسب سطح سواد پدر

سطح سواد / مشاغل	واقع‌گرایانه	جستجوگرایانه	هنری	اجتماعی	متهورانه	قراردادی	کل
ابتدایی و کمتر	۱۳	۷	۷	۸	۸	۴	۴۷
سیکل، دوره راهنمایی	۷	۹	۱۰	۲۱	۲	۸	۵۷
دیپلم	۱۸	۲۲	۹	۱۴	۴	۴	۷۱
فوق‌دیپلم	۱۳	۱۶	۱۰	۲۲	۵	۷	۷۳
لیسانس	۹	۳۳	۱۳	۳۷	۱۴	۶	۱۱۲
فوق‌لیسانس و دکترا	۵	۲۴	۹	۱۵	۵	۲	۶۰
جمع	۶۵	۱۱۱	۵۸	۱۱۷	۳۸	۳۱	۴۲۰

$$X^2_{0/01}=26/21 \quad df=(r-1)(c-1)=25$$

$$P \leq 0/01$$

$$X^2 = 15/35$$

نتایج آزمون پرسش چهارم مبین آن است که هرچه سطح سواد پدران افزایش می‌یابد، رغبت شغلی دانش‌آموزان به مشاغل جستجوگرانه و اجتماعی نیز بیشتر می‌شود. همچنین X^2 محاسبه‌شده برای جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که بین فراوانی‌های مشاهده‌شده و فراوانی‌های موردانتظار تفاوت معنی‌داری وجود دارد. بدین لحاظ می‌توان گفت نخست، در گروه‌های شغلی جستجوگرایانه و اجتماعی سطح سواد پدران بالاتر از سایر گروه‌های شغلی است؛ دوم، مشاغل هنری عمدتاً موردتوجه دانش‌آموزانی است که سطح سواد پدران آن‌ها در سطح متوسط به بالا است و سوم اینکه گروه شغلی واقع‌گرایانه بیشتر مورد توجه دانش‌آموزانی است که سطح سواد پدر آنان در حد متوسط رو به پایین است.

بحث و نتیجه‌گیری

بی‌توجهی به استعدادها و رغبت‌های تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان جو غالب مدارس و جامعه است، به‌نحوی که فضای اصلی انتخاب شغل بیشتر متأثر از عواملی همچون منافع اقتصادی و اشتها اجتماعی است. در چنین فضایی، طبیعی است که نمی‌توان از جوانان انتظار داشت که به‌سادگی در پی کشف استعدادها و رغبت‌های خود باشند. علاوه‌براین، تحولات زمانه باعث شده است که تأثیر عواملی همچون جنسیت، عملکرد تحصیلی و وضعیت خانوادگی دچار دگرگونی شود. براین اساس، پژوهش حاضر دو نکته اساسی را آشکار ساخت. اول اینکه تأثیر عوامل نخستین هنوز بر رغبت‌های شغلی پابرجا است

و نمی‌توان آن را نادیده گرفت و دوم اینکه سمت و سوی تحولات مبین کاهش قدرت اثرگذاری این عوامل در بازار کار آینده ایران است. همچنین یافته‌های پژوهش حاضر را می‌توان با نگاهی تطبیقی به نتایج پژوهش‌های قبلی به تفکیک چهار عامل، مقایسه و ارزیابی کرد.

نخستین یافته پژوهش نشان می‌دهد که عامل جنسیت هنوز در تعیین رغبت‌های شغلی دانش آموز اثرگذار است و مشاوران شغلی باید به نقش آن توجه کنند. البته در پژوهش‌های متقدم (Strange & Rea, 1983; Chusmir, 1990; Basavage, 1996; Burack et al., 1997) اثر این عامل با قاطعیت بیشتر نمایش داده می‌شد، ولی در تحقیقات متأخر به پرشدن شکاف جنسیتی در رغبت‌های شغلی امید بیشتری وجود دارد (Helwig, 2008; Tang et al., 2010). علت این موضوع را آشکارا می‌توان در افزایش تنوع مشاغل و همچنین افزایش سطح تحصیلات در دختران جست. از این رو، یافته‌های پژوهش حاضر از تحقیقات متأخر بیشتر پشتیبانی می‌کند. همچنین پژوهش حاضر با ارائه این یافته که تفاوت معنی‌دار بین گروه‌های مختلف دانش‌آموزی برحسب عملکرد تحصیلی در رغبت‌های شغلی وجود دارد همسو با نتایج تحقیقات وست (1998)، وود و مایر^۱ (1999)، اپلتون^۲ (2001) و ال-سامری و بنل (2003) است. علاوه بر این، پژوهش حاضر نشان داد که دو عامل، سطح سواد و شغل پدر، همچون عوامل قبلی بر تعیین علائق و رغبت‌های شغلی نسل جوان اثرگذارند. با وجود این، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که این اثرگذاری لزوماً به معنای تبعیت از وضع فعلی پدران به‌ویژه از نظر شغل نیست. یافته‌های پژوهش نشان داد که امروزه دانش‌آموزان بیش از پدرانشان طالب جست‌وجوی مشاغلی‌اند که دستیابی به آن مستلزم دستیابی به سطوح بالاتر دانش است. همچنین یافته‌ها مبین آن است که همه پدران صرف‌نظر از سطح سواد عمدتاً طالب دسترسی بیشتر فرزندانشان به مشاغل بهترند. در هر دو مورد، یافته‌های پژوهش از نتایج ارائه‌شده در تحقیقات تیلور و همکاران^۳ (2004)، مایبورک^۴ (2005) و هویت^۵ (2010) و پژوهش‌های داخلی (بالی تیرکده ۱۳۷۴، محمودی، ۱۳۷۴، ثابت، ۱۳۸۰، حسینی بیرجندی ۱۳۸۰، معدن‌دارآرانی و سرکارآرانی، ۱۳۸۸) پشتیبانی می‌کند. برپایه

1. Wood and Mayer

2. Appleton

3. Taylor et al.

4. Myburgh

5. Hewitt

- یافته‌های به‌دست‌آمده از تحقیق حاضر، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:
- توجه بیشتر مشاوران شغلی به عامل جنسیت و نقش آن در رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان و برگزاری کارگاه‌های آموزشی به‌منظور درک اوضاع متحول زمانه و فهم نگاه جوانان به مشاغل مختلف صرف‌نظر از عامل جنسیت؛
 - ارائه آموزش‌های مناسب به دانش‌آموزان به‌منظور شناخت مشاغل با توجه به نیاز جامعه بدون اتکاء به بزرگ‌نمایی عامل جنسیت و کاهش اثرات منفی و تقویت ابعاد مثبت عامل جنسیت بر انتخاب شغل؛
 - تأکید مضاعف بر تأثیر عامل عملکرد تحصیلی هم‌زمان با نفی تصور غلط شغل پردرآمد مساوی است با مدرک بالاتر. تبیین و توضیح عدم همبستگی بین مدرک تحصیلی با نوع شغل برای جوانان به‌منظور افزایش درک آنان از واقعیات بازار کار؛
 - برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای مشاوران شغلی به‌منظور توجه بیشتر به نقش سرمایه انسانی خانواده در رغبت‌های شغلی والدین، هم‌زمان با پذیرش این واقعیت که مسیرهای شغلی نسل جوان نباید لزوماً با نسل سابق یکسان باشد؛
 - از آنجاکه دانش‌آموزان به نظر و راهنمایی والدین اهمیت زیادی می‌دهند، ضرورت دارد که والدین دانش‌آموزان را با در نظر گرفتن استعدادها و رغبت‌های شغلی شخصی آنان و با توجه به امکانات و نیازهای واقعی جامعه راهنمایی کنند و از تلاش برای تحقق آرزوهای تحقق‌نیافته جوانی خود توسط فرزندانشان بپرهیزند؛
 - ارائه و برگزاری کارگاه‌های علمی و آموزشی برای آشناسدن والدین و دانش‌آموزان با مشاغل جدید؛
 - تشویق دانش‌آموزان به جست‌وجو و پیگیری اطلاعات تحصیلی شغلی به‌طور اصولی و ارزیابی از کار آن‌ها؛
 - آشنا کردن و فعال کردن مشاوران مدارس با مراکز آموزشی وزارت کار و امور اجتماعی، سازمان فنی و حرفه‌ای و دیگر نهادهای مرتبط در امر هدایت تحصیلی و شغلی؛
 - بهره‌برداری از امکانات رایانه‌ای برای ارائه اطلاعات تحصیلی شغلی؛
 - استفاده از امکانات وزارت کار و سازمان فنی حرفه‌ای در معرفی دوره‌های کوتاه و بلندمدت فنی حرفه‌ای.

منابع

- ایلنا (۱۳۹۱). ده راهکار برای اصلاح اقتصاد ایران. قابل دسترسی در <http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=50233>
- بالی تیرکده، محمدولی (۱۳۷۴). بررسی عوامل مؤثر در هدایت تحصیلی شغلی دانش آموزان نظام جدید آموزش متوسطه برای انتخاب رشته تحصیلی و شغل آینده خویش در شهرستان‌های نوشهر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران. دانشگاه علامه طباطبایی. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- توکلی، یدالله؛ ایزدی، علی اصغر و جشنانی، زهرا (۱۳۸۶). آشنایی با آزمون‌های ریون و رغبت‌سنج تحصیلی شغلی. تهران: ورا دانش.
- ثابت، اصغر (۱۳۸۰). بررسی علل عدم گرایش دانش آموزان مستعد به رشته علوم انسانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. رشت. دانشگاه تربیت معلم گیلان.
- حسینی بیرجندی، مهدی (۱۳۸۰). راهنمایی و مشاوره تحصیلی و تاریخچه مشاوره و راهنمایی در ایران. انتشارات رشد.
- حق شناس، لیلا؛ عابدی، محمدرضا؛ باغبان، ایران و حسینیان، ایران (۱۳۸۹). رغبت‌های شغلی. تهران: نشر تایماز.
- شفیع‌آبادی، عبدالله (۱۳۸۴). راهنمایی و مشاوره شغلی و حرفه‌ای و نظریه‌های انتخاب شغل. چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات رشد.
- کاکیا، لیدا (۱۳۷۹). نگرشی نو به افت تحصیلی. تهران: انتشارات افاقی
- محمودی، حسن (۱۳۷۴). بررسی وضعیت انتخاب رشته تحصیلی توسط دانش آموزان پسر مستعد سال اول دبیرستان‌های شهر مشهد از دیدگاه دانش‌آموزان و مدیران در سال تحصیلی ۷۳-۷۴. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران. دانشگاه علامه طباطبایی. دانشکده علوم تربیتی. مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن. قابل دسترسی در [www.iran.unfpa.org/Documents/Census2011/census-90-results\(3\).pdf](http://www.iran.unfpa.org/Documents/Census2011/census-90-results(3).pdf)
- معدن‌دارآرانی، عباس و سرکارآرانی، محمدرضا (۱۳۸۸). آموزش و توسعه: مباحث نوین در اقتصاد آموزش. تهران: نشر نی.
- منصور، محمود (۱۳۵۸). زمینه راهنمایی حرفه‌ای. تهران: انتشارات چهره.
- وزارت آموزش و پرورش (۱۳۹۰). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. قابل دسترسی در www.medu.ir/Portal/File/ShowFile.aspx?ID=da462e1d-b982-46b6

یارمحمدزاده، پیمان (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی مدیران با مهارت‌های شغلی آنان. قابل دسترسی در <http://peymanemodiriat.persianblog.ir/post/20>

- Abdullah, S. A.; Bakar, R. & Othman, M. (2009). Gender Difference and Career Interest of Undergraduates: Implications for Career Choice. *European Journal of Scientific Research*. Vol. 26(3): 465-469.
- Ahrens, J. A. & O'Brien, K. M. (1996). Predicting Gender Role Attitudes in Adolescent Females: Ability, Agency, and Parental Factors. *Psychology of Women Quarterly*. Vol. 20: 409-417.
- Al-Samarrai, S. & Bennell, P. (2003). *Where Has all the Education Gone in Africa? Employment Outcomes among Secondary School and University Leavers*. Institute of Development Studies at the University of Sussex. Sussex.
- Antony, J. S. (1998). Personality-career Fit and Freshman Medical Career Aspirations: A Test of Holland's Theory. *Research in Higher Education*. Vol. 39: 679-698.
- Appleton, S. (2001). What Can We Expect of Universal Primary Education? In R. Reinikka & P. Collier (Eds.). *Uganda's Recovery: The role of Firms, Farms and Government*. World Bank. Washington D. C.
- Basavage, R. (1996). *Gender-role Stereotyping and How it Relates to Perceived Future Career Choices among Elementary School Children*. M.A. thesis. University of Wisconsin-Stout, Menomonie.
- Behrend, T. S.; Thompson, L. F.; Meade, A. W.; Grayson, M. S. & Newton, D. A. (2007). *Gender Differences in Career Choice Influences*. Paper presented at the 22nd Annual Meeting of the Society for Industrial and Organizational Psychology. New York.
- Borchert, M. (2002). *Career Choice Factors of High School Students*. University of Wisconsin-Stout. The Graduate College.
- Burack, J. H.; Irby, D. M.; Carline, J. D.; Ambrozy, D. M.; Ellsbury, K. E. & Stritter, F. T. (1997). A Study of Medical Students' Specialty-choice Pathways: Trying on Possible Selves. *Academic Medicine*. Vol. 72: 534-541.

- Chusmir, L. H. (1990). Men Who Make Nontraditional Career Choices. *Journal of Counseling & Development*. Vol. 69: 11-16.
- Greenberger, M. (2002). *Nation's High Schools Still Operate "Separate and Unequal" Vocational Education for Male and Female Students*. Retrieved June 12, 2013 from World Wide Web: <http://www.nwlc.org/details.cfm?id=1135§ion=education>
- Hall, S. (2010). The Relationship between Gender and Career Choice. Retrieved June 12, 2013 from World Wide Web: www.ehow.com
- Helwig, A. A. (2008). From Childhood to Adulthood: A 15-year Longitudinal Career Development Study. *The Career Development Quarterly*. Vol. 57:38-50
- Hensley, L. (2010). The Influence of Gender Role and Gender Stereotyping on the Career Choice and Career Commitment Adolescents. Retrieved June 12, 2013 from World Wide Web: <http://www4.samford.edu/schools/artsci/scs/hensley.html>
- Hewitt, J. (2010). *Factors Influencing Career Choice*. Retrieved June 12, 2013 from World Wide Web: www.ehow.com
- Huffman, T. E.; Sill, M. L. & Brokenleg, M. (1986). College Achievement among Sioux and White South Dakota Students. *Journal of American Indian Education*. Vol. 25 (2): 32-38.
- McNair, D. & Brown, D. (1983). Predicting the Occupational Aspirations, Occupational Expectations and Career Maturity of Black and White Male and Female 10th graders. *The Vocational Guidance Quarterly*. Vol. 32: 29-36.
- Myburgh, J. E. (2005). An Empirical Analysis of Career Choice Factors Influencing First Year Accounting Students at the University of Pretoria. *Meditari Accounting Research Journal*. Vol. 13(2): 35-48.
- Myers, D. G. (2005). *Social Psychology*. Boston: McGraw-Hill.
- O'Brien, K. M. (1996). The Influence of Psychological Separation and Parental Attachment on the Career Development of Adolescent Women. *Journal of Vocational Behavior*. Vol. 48: 257-274.
- O'Brien, K. M.; Friedman, S. M.; Tipton, L.C. & Linn, S.G. (2000). Attachment, Separation and Women's Vocational Development: A Longitudinal Analysis.

- Journal of Counseling Psychology*. Vol. 47(3): 301-315.
- Ologun, S. F. (2002). *Parent-child Relationship and Vocational Choice of Fresh Undergraduates of University of Ilorin: A Test of Roe's Hypothesis*. Kogi State Teaching Service Commission Lokoja. Retrieved June 12, 2015 from World Wide Web: [www.unilorin.edu.ng/.../parent%20child%20relationship%20and%20vocational%](http://www.unilorin.edu.ng/.../parent%20child%20relationship%20and%20vocational%20)
- Rojewski, J. W. & Yang, B (1997). Longitudinal Analysis of Select Influences on Adolescents' Occupational Aspirations. *Journal of Vocational Behavior*. Vol. 51: 375-410.
- Strange, C. C. & Rea, J. S. (1983). Career Choice Considerations and Sex Role Self-concept of Male and Female Undergraduates in Nontraditional Majors. *Journal of Vocational Behavior*. Vol. 23: 219-226
- West, D. (1986). *The Relationship of Career Maturity and GPA, Age, Gender and Class Status of Selected Students at Eastern Montana College*. Unpublished manuscript. Eastern Montana College. Billings.
- West, D. K. (1988). Comp Rations of Career Maturity and its Relationship with Academic Performance. *Journal of American Indian Education*. Vol. 27(3): 1-7.
- Wood, A. & Mayer, J. (1999). *Africa's Export Structure in Comparative Perspectives*. Institute of Development Studies. Sussex: Sussex University.
- Wulff, M. B. & Steitz, J. A. (1997). Curricular Track, Career Choice and Androgyny among Adolescent Females. *Adolescence*. Vol. 32(125): 43-49.
- Tang, M.; Pan, W. & Newmeyer, M. D. (2008). Factors Influencing High School Students' Career Aspirations. *Professional School Counseling Journal*. Vol. 11(5): 285-295.
- Taylor, J.; Harris, M. & Taylor, S. (2004). Parents Have their Say about their College Aged Children's Career Decisions. *National Association of Colleges and Employers Journal*. Vol. 64 (3): 420-425.